

مرجع سوالات و محتوای آموزشی

ابتدایی-دوره متوسطه اول و دوم

زبان خارجه - فناوری اطلاعات



www.novinmad.ir



معنی لغت‌های مهم درس

فروغ:	پرتو، روشنایی	وینی:	بینی
متانت:	سنگینی در رفتار، وقار و استواری	تدبیر:	چاره اندیشی، پایان کار
تأمل:	اندیشیدن، فکر کردن	شعور:	آگاهی، ادراک
تلف کند:	نابود شدن، هلاک شدن	خلل:	تباهی، فساد، پراکندگی، تفرق
احوال:	حال‌ها، وضع‌ها، سرگذشت، کار و بار	مصلحت:	خیراندیشی
اندوهناک:	غمگین	بقا:	دوام، زندگی
تضرع:	زاری کردن، حالت دعا و التماس	تعالی:	بلند پایه، بلند مرتبه
حاجت:	نیاز	حیا:	خجالت، شرمساری
زیاده:	بسیار، افزون	شریف:	بزرگوار، شرافتمند، با اصل و نسب
آیو:	آید، بیاید	مطیع:	اطاعت کننده، فرمان بردار
شأن:	مقام، رتبه، درجه	معاصی:	گناهان، جمع معصیت
جمیع:	همگی، همگان، همه	خلقت:	آفرینش، فطرت
مساکین:	بینوایان، فقرا	صله رحم:	پیوند با خویشان، محبت به نزدیکان

معنی بیت‌ها و عبارات‌های مهم درس

جهان، جمله، فروغ روی حق دادن
 حق اندر وی ز پیدایی است، پنهان
 همهٔ جهان جلوه‌ای از نور الهی است. خدا آن قدر در آفریده‌ها جلوه کرده و آشکار است که ما از فرط آشکار بودن خدا نمی‌توانیم او را ببینیم.

ابتدا می‌کنم ای مفضل، به یاد کردن خلقت انسان. پس، عبرت گیر از آن
 ای مفضل از یادآوری آفرینش انسان شروع می‌کنم. پس از آن عبرت بگیر.

تفکر کن ای مفضل، در همهٔ اعضای بدن و تدبیر آنها که هر یک برای هدفی و حاجتی آفریده شده‌اند
 ای مفضل، دربارهٔ تمام اعضای بدن و تدبیر و اندیشهٔ آنها فکر کن که هر یک از این اعضا برای هدف و نیازی آفریده شده‌اند.
 بپرس از ایشان که آیا این طبیعت که شما می‌گویید، علم و قدرت دارد بر این کارها یا نه؟ اگر گویند که علم و قدرت دارد، پس به خدا قائل شده‌اند و او را «طبیعت» نام کرده‌اند؛ زیرا معلوم است که طبیعت را شعور و اراده نیست؛ و اگر گویند که طبیعت را علم و اراده نیست، پس معلوم است که این کارها از طبیعت بی‌شعور، صادر نمی‌شود.
 از آنها که کار اعضای بدن را به طبیعت نسبت می‌دهند، بپرس که آیا این طبیعت که شما می‌گویید دانش و قدرت و توانایی به انجام این کارها را دارد یا خیر؟ اگر آنها جواب دهند که علم و قدرت انجام این کار را دارد پس به وجود خدا اقرار دارند و فقط ظاهراً آن را طبیعت نام نهاده‌اند، زیرا معلوم و آشکار است که برای طبیعت شعور و احساس و اراده‌ای وجود ندارد و اگر بگویند که برای طبیعت علم و اراده‌ای وجود ندارد پس معلوم می‌شود که این کارها از طبیعت بی‌شعور به وجود نمی‌آید.

برای آنکه حرارت در دل جمع نشود که آدمی را تلف کند.

برای آنکه دمای بدن و قلب بالا نرود و باعث از بین رفتن انسان نشود.

اگر از این قوه‌ها حافظه را نمی‌داشت، چگونه بود حال او و چه خلل‌ها داخل می‌شد در امور و زندگانی و کارهای او! اگر از نیروها حافظه را خلق نمی‌کرد، حال و روز انسان چگونه بود و چه آسیب‌هایی در زندگی به او می‌رسید.

پس، داده است خداوند علیم به آدمی آنچه صلاح دین و دنیای او در آنهاست و منع کرده است از آدمی، دانستن امری چند را که در شأن و طافت او نیست دانستن آنها خداوند آگاه آنچه را که صلاح دین و دنیای انسان در آن است، به او داده است و آنچه را که طاقت دانستن آن را ندارد، از دانستن آن منع کرده است.

زیرا که چون آدمی را احتیاج به آب، شدیدتر است از احتیاج به نان چون انسان به آب بیشتر از نان نیاز دارد.

اگر آدمی را هرگز دردی نمی‌رسید، به چه چیز ترک گناهان را و به چه چیز تواضع می‌کرد برای خدا و تضرع می‌کرد نزد او اگر انسان درد را احساس نمی‌کرد، چگونه گناهانش از بین می‌رفت و با چه ابزاری به درگاه خدا زاری می‌کرد و افتادگی می‌نمود.

به چه چیز مهربانی می‌کرد به مردم و صدقات می‌نمود به مساکین؟ نمی‌بینی کسی را که به دردی دچار شد، خضوع می‌کند و به درگاه خدا روی می‌آورد و طلب عافیت می‌کند و دست می‌گشاید به دادن صدقه؟ پس نمی‌بینی که حکیم علیم در هر امری، آنچه به عمل آورده، همه موافق حکمت است و راه خطا در آن نیست؟

با چه چیزی به مردم مهربانی می‌کرد و به بیچاره‌ها و مردم صدقه می‌داد؟ آیا نمی‌بینی کسی را که به یک دردی دچار می‌شود، فروتنی و خضوع می‌کند و به درگاه خداوند راز و نیاز می‌کند و از خدا رستگاری و تندرستی می‌خواهد و دستش را برای دادن صدقه و کمک باز می‌کنند؟ پس آیا نمی‌بینی که خداوند حکیم دانا در هر کاری، آنچه به وجود آورده و آفریده است همگی موافق و همراه حکمت و دانش است و هیچ راه خطا و اشتباهی در کارهای خدا وجود ندارد؟

پس من شاد و خوشحال برگشتم به آنچه از معرفت مرا حاصل شد و خدا را حمد کردم.

پس من شاد و خوشحال برگشتم و به خاطر آنچه از شناخت و آگاهی به دست آوردم. خدا را شکر کردم.

خود ارزیابی

سوال ۱: پاسخ شخص گمراه به مفضل چه بود؟ اگر از شاگردان جعفر بن محمد (ع) هستی باید بدانی که او زیاده از این سخنان ما را شنیده و با متانت جواب گفته است، لذا تو هم شایسته با ما سخن بگو.

سوال ۲: این درس را با درس اول (آفرینش همه ...) مقایسه کنید و شباهت‌های آنها را بیان کنید. هر دو وجود خدا و نبوت را بیان نموده‌اند. اینکه هر نعمتی که خدا به ما داده و آفریده است برای شکرگزاری است، نعمت‌هایی که ما را به عظمت و بزرگی خداوند رهنمون می‌سازد.

سوال ۳: چرا خداوند بزرگ، نعمت تفکر و اندیشیدن را به انسان‌ها بخشید؟ تا در آنچه آفریده اندیشه کنیم و به حکمت و هدف آفریده‌ها فکر کنیم. بیندیشیم که خداوند هر یک را برای چه کاری خلق کرده است. دربارهٔ نیروهایی که خداوند در وجود انسان خلق کرده و نعمت‌هایی مانند یادآوری، فراموشی و... فکر کنیم و تصور کنیم که اگر این آفریده‌ها نبودند چه اتفاقی می‌افتاد.

سوال ۴: اگر نعمت حیا را نداشتیم چه اتفاقی می‌افتاد؟ اگر حیا نبود، هیچ کس مهمانداری و وفای به عهد نمی‌کرد و کسی نیازها مردم را برآورده نمی‌کرد. مردم نیکی نمی‌کردند و از بدی‌ها نیز دوری نمی‌کردند. برخی از مردم اگر از یکدیگر شرم

نمی‌کردند حق پدر و مادر را نیز به جای نمی‌آوردند و صلحه رحم و احسان به خویشان نمی‌کردند و امانت‌های مردم را پس نمی‌دادند و ترک معاصی نمی‌کردند.

گفت و گو

سوال ۱: دربارهٔ صله رحم و احسان به خویشاوندان، با یکدیگر گفت و گو کنید. در اندیشه‌های اسلامی، حفظ و گسترش روابط فAMILI و ارتباط صمیمانه با خویشاوندان اهمیتی بسیار دارد تا آنجا که به فرمودهٔ پیامبر(ص) قطع رحم باعث قطع رحمت الهی می‌شود. در ضمن دیدار با خویشاوندان باعث انس و الفت بیشتر می‌شود. دوستی‌ها را پابرجا کینه‌ها را دور و تخم محبت در دلها می‌کارد.

سوال ۲: دربارهٔ آیات دو و سه سورهٔ «الرحمان»: «خداوند انسان را آفرید و به او نطق و بیان آموخت» بحث کنید و نتیجه را به کلاس گزارش دهید.

این سوره که عروس قرآن لقب گرفته است انسان را مورد خطاب قرار داده است و نعمت‌های مادی و معنوی را برشمرده و فرموده که این نعمت‌ها را فراموش نکنید. در آیات دو و سه نیز خداوند به آموختن نطق و بیان و آفرینش انسان که از مهمترین نعمت‌های الهی هستند اشاره دارد. در واقع ابتدا به تعلیم قرآن که نخستین و مهم‌ترین نعمت است اشاره کرده و حتی آن را قبل از خلقت و آفرینش انسان آورده است.

نوشتن

سوال ۱: ده واژه را که ارزش املائی دارند، از متن درس بیابید و بنویسید. فروغ، در ضمن، مفضل، صلاح، شأن، تأمل، تضرغ، معرفت، خضوع، تواضع، معاصی، جراحت و...

سوال ۲: جمله‌های زیر را بخوانید و قیده‌های آن را مشخص کنید.

الف) تو هم **شایسته** با ما سخن بگو. (ب) من **فعلاً** کاری ندارم.

ج) محمد چرا **دیروز** غایب بود (د) همایون **دوباره** برنده شد.

سوال ۳: بیت زیر را بخوانید و ارتباط آن را با متن درس، در یک بند بنویسید.

جهان چون زلف و خال و خط ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست

جهان نیز مثل اعضای بدن انسان است و اگر در آفرینش خود دقت کنیم، هر چیزی در جای خودش خوب است. مثلاً اگر چشم‌ها بالای سر قرار می‌گرفت و دهان روی شکم یا موارد دیگر چه اتفاقی می‌افتاد پس قطعاً خداوند به هر چیزی علیم و حکیم است.

معنی ابیات شعر خوانی بود «قدر تو افزون از ملایک»

دلی دیرم خیریدار محبت کز او گرم است بازار محبت

لباسی دوختم بر قامت دل ز بود محنت و تار محبت

* خدایا، دلی دارم که خواستار و خواهان محبت است. و از این دل است که بازار محبت و دوستی گرم و پر رونق است.

* برای دلم لباسی به اندازه دوخته‌ام. لباسی که با تار و پود محبت بافته شده است.

بـوَد وصل مو و هجرانم از دوست
جدا هرگز نگردد جانم از دوست

بـوَد درد مو و دمانم از دوست
اگر قصابم از تن واکره پوست

* درد و درمان من هر دو از جانب معشوق (یار) است. وصل و دوری من نیز از معشوق (دوست) است.
* حتی اگر قصاب از تن من پوستم را جدا کند هرگز جانم از دوست جدا نمی‌شود.

بدیدم قبر دولتمند و درویش
نه دولتمند برده یک کفن بیش

به قبرستان گذر کردم کم و بیش
نه درویش بی کفن در خاک رفته

* کم و بیش در قبرستان گشتم و قبر ثروتمند و فقیر را دیدم.

* و فهمیدم که نه فقیر بی کفن در خاک دفن شده است نه ثروتمند بیشتر از یک کفن با خود برده است.

مطیع نفس و شیطانی چه حاصل
تو قدر خود نمی‌دانی چه حاصل

دلا غافل ز سبحانی چه حاصل
بـوَد قدر تو افزون از ملایک

* ای دل، چرا از خداوند پاک و منزّه بی‌خبری، از این بی‌خبری چه فایده‌ای می‌بری و از اینکه فرمانبر نفس اماره و شیطان هستی، چه استفاده‌ای می‌بری؟

* ارزش انسان بالاتر از ارزش فرشته‌هاست. تو قدر و منزلت و ارزش خودت را نمی‌دانی، چه فایده‌ای دارد.

جهان با این فراخی، تنگ آید
تو ویسی نامه خود، ننگ آید

مکن کاری که بر پا، سنگ آید
چو فردا نامه خوانان نامه خوانند

* کاری انجام نده که در مقابل پایت سنگ (مشکلا) به وجود آید و جهان با این وسعت و بزرگی برای تو تنگ و تاریک باشد.

* زمانی که در روز قیامت پرونده‌ات را بررسی می‌کنند و نامه اعمالت را می‌خوانند، تو نامه خود را ببینی و خجالت بکشی.